

## ماهیت مبادلات بازرگانی در پیش از تاریخ

حمیدرضا ولی پور

(دانشگاه آزاد اسلامی ابهر)

### چکیده

موضوع مبادله و بازرگانی در دهه های هفتاد و هشتاد میلادی یکی از موضوعات مهم و مورد علاقه باستان‌شناسان و انسان‌شناسان بود. امروزه اگرچه از تاکید فراوان بر نقش محوری بازرگانی در تطور فرهنگی - اجتماعی جوامع کاسته شده است، اما همچنان به عنوان یکی از عوامل مهم تطور فرهنگی - اجتماعی مطرح است. این مقاله، به بررسی برخی نظریات مطرح در بازرگانی و مکانیزم های مبادلات بازرگانی در پیش از تاریخ می پردازد. نگارنده معتقد است بدون درک درستی از ساختار اجتماعی یک جامعه، پرداختن به مبادلات بازرگانی آن اگر غیر ممکن نباشد بسیار ناقص است. جوامع پیش از تاریخی بنا به شرایط زیست محیطی، جغرافیایی و اقتصادی از چند مرحله فرهنگی گذشته اند، مطالعه اقتصاد و بازرگانی این جوامع بدون شناخت ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی آنها میسر نیست. و نهایتاً اینکه صورتهای مختلف مبادلاتی ارتباط مستقیمی با این مراحل فرهنگی دارد.

### درآمد

از مهمترین موضوعاتی که در پژوهشهای باستان‌شناختی در خصوص جوامع مورد تحقیق ذهن باستان‌شناسان را به خود معطوف می دارد، اقتصاد است. تحولات اقتصادی جوامع، بی شک نقش قابل توجهی را در توسعه سایر جنبه های فرهنگی بشر ایفا کرده است. اقتصاد بازگو کننده اوضاع و احوال اجتماعی و حتی سیاسی جوامع است، بنابراین مطالعه آن، در واقع مطالعه ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فکری و فرهنگی جوامع مورد نظر است.

از آنجا که بیشتر یافته های باستان‌شناختی با اقتصاد جوامع - تولید و مصرف - ارتباط می یابند، بنابراین بحث درباره اقتصاد مدهاست که در مباحث باستان‌شناسی وارد شده است. به همین دلیل نظریات و دیدگاههای متعددی در خصوص اقتصاد و سیستم های اقتصادی جوامع باستان مطرح شده است (درباره مباحث اقتصادی در باستان‌شناسی به عنوان نمونه رک. هیگز ۱۹۷۲، ۱۹۷۵؛ دارک ۱۹۹۵؛ گراهام کلارک ۱۹۸۹؛ و در خصوص سیستمهای اقتصادی جوامع باستان رک. هریس و هیلمن ۱۹۸۹؛ راولی ۱۹۸۳؛ گرگ ۱۹۸۸؛ والرستاین ۱۹۷۴؛ ارله و اریکسون ۱۹۷۷).

از اصلی ترین بحثها در خصوص اقتصاد جوامع باستان موضوع «مبادله و بازرگانی» است که همواره در پژوهشهای باستان‌شناختی با مواد آن روبرو می شویم. کشف اشیای بیگانه در یک محل سؤالات متعددی را درباره نحوه جابجایی آن از مبدأ تا مقصد بر می انگیزد، آیا این مواد خارجی در اثر بازرگانی جابه جا شده اند؟ یا ممکن است در اثر صورتهای مختلفی از مبادلات اجتماعی به آن محل رسیده باشند؟ و یا شاید در اثر هیچ یک از صورتهای مبادلاتی، به دست جامعه مورد مطالعه نرسیده است، بلکه جنبه های دیگری از برخوردهای سیاسی و یا مذهبی (مثلاً جنگ، خراج و یا هدیه به معبد و ...) آن جامعه را بازگو می کند؟ از این رو نیازمند مطالعه و تجزیه و تحلیل دقیق هستند.

این مقاله، بحثی نظری است در رابطه با ساز و کارهای های مبادلات بازرگانی در جوامع پیش از تاریخ. در این رابطه پرسشهای دیگری نیز مطرح است: آیا همه جوامع پیش از تاریخی امکان انجام مبادلات بازرگانی را داشته اند؟ یا به تعبیری دیگر آیا این جوامع ساز و کارهای لازم برای بازرگانی را دارا بوده اند؟ چگونه می توان از میان مدارک و شواهد باستان شناختی اهداف و صورتهای مبادلاتی را بیرون کشید؟

### بازرگانی از دیدگاه «باستان شناسی اجتماعی» Social Archaeology یا «باستان شناسی اقتصادی» Economic Archaeology

موضوع مبادله را می توان از دیدگاههای مختلفی مورد بحث و بررسی قرار داد. هر کدام از این دیدگاهها نیز از زاویه ای خاص به تجزیه و تحلیل شواهد و مدارک می پردازند. مبادلات بازرگانی را اگر حاصل رفتارهای اجتماعی جوامع مورد مطالعه بدانیم، قاعدتاً مطالعه ساختارهای اجتماعی آن جوامع نیز اهمیت ویژه ای می یابد.

در این رابطه شبکه های ارتباطی و مبادلات به عنوان یکی از مداخل «باستان شناسی اجتماعی» مطرح شده است (رک. ولی پور ۱۳۷۸ الف). تا سال ۱۹۶۰ میلادی کشف اشیایی از یک محل که آشکارا معلوم بود از محلی دیگر به آن مکان آورده شده اند، به عنوان «نفوذهای فرهنگی» یا «تأثیرات فرهنگی» مکانهای پیرامون مورد مطالعه قرار می گرفتند (رنفرو ۱۹۸۴: ۸۰)، و بر این اساس استنباطهایی بر پایه تشابهات شناخته شده آثار دو منطقه صورت می گرفت. اما امروزه درباره این تشابهات و عوامل آن مطالعات فراوانی بر اساس مدارک و شواهد باستان شناختی به انجام می رسد. بنابراین مفاهیمی چون تجارت، تأثیرات و نفوذهای فرهنگی، تشابهات آثاری و... بر پایه شاخص های مهمی چون: رقابت، جنگ، هم چشمی های مسابقه ای، انتقال نوآوریها، مبادلات آیینی قابل ارزشگذاری، داد و ستد کالا، زبان، نژاد و ... که بین دو یا چند جامعه مستقل با وضعیتهای برابر صورت می پذیرد، مورد مطالعه و تجزیه همه جانبه قرار می گیرند.

بازرگانی از رفتارهای یک فرهنگ است، بر این اساس باید تبیین رفتاری آن را نیز مدنظر قرار داد. لذا در باستان شناسی اجتماعی سعی می شود پلی بر رفتارهایی که داده های باستان شناسی محصول آنهاست زده شود.<sup>۱</sup>

شاخه دیگری از باستان شناسی به نام «باستان شناسی اقتصادی»، به بررسی اقتصاد و شیوه های تولید در جوامع باستانی می پردازد، همچنین علاوه بر شیوه های تولید، دیگر جنبه های اقتصاد باستانی چون مبادلات پایاپای محلی، بازرگانی فرا منطقه ای و نحوه ذخیره و مبادله ثروت را نیز مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد (برای اطلاعات بیشتر رک. دارک ۱۳۷۹: ۱۷۴ - ۱۴۳). از این دیدگاه بازرگانی فعالیتی اقتصادی است و بازرگانان افرادی حرفه ای هستند که معاش آنها از طریق بازرگانی تامین می شود. بر این اساس، منظور از بازرگانی آن صورتهای مبادله اشیاء، مواد یا فناوری بین دو یا چند نفر، گروه و یا محل است که هدف از آن کسب سود و منفعت است. بنابراین هر مبادله ای که صرفاً برای رفع نیازمندیهای ضروری و با ساز و کارهای روابط خویشاوندی و یا روابط اجتماعی به انجام می رسد بازرگانی محسوب نمی شود. صورتهایی از یک چنین مبادلاتی هنوز هم در میان جوامع روستائین و حتی شهری دیده می شود.

از سوی دیگر بازرگانی نیز صورتهایی دارد که ماهیتاً تفاوتهای فراوانی با هم دارند و لازم است در بحث پیرامون آن مورد توجه قرار گیرد، به عنوان نمونه مبادلاتی که بین جوامع با ساختارهای برابر - مثلاً جوامع بی طبقه - به صورت محلی و بدون ساز و کارهای بازرگانی در جریان بوده است با مبادلاتی که در میان جوامع با ساختارهای سلسله مراتبی و همین طور جوامع حکومتی به صورت سازمان یافته و تحت کنترل و نظارت نهادها و یا افراد خاصی صورت پذیرفته کاملاً متفاوت از هم هستند.

آنچنان که پیشتر گفته شد، در گذشته کشف مواد خارجی در یک محل را به عنوان «نفوذهای فرهنگی» یا تحت عنوان «بازرگانی» معرفی و مطالعه می کردند، اما اکنون با پیشرفت نظریه ها و تکنیکهای جدید باستان شناختی به خوبی می دانیم که رد و بدل

شدن مواد در دوره باستان را به سادگی نمی توان بازرگانی نامید، چرا که بخشی از این مواد در نتیجه مبادلاتی که جنبه اقتصادی نداشته اند، نظیر مبادلات آیینی، هدیه، بخشش، خراج و یا سایر جنبه های دیگر جا به جا شده اند. «اشیای خارجی را چه بسا بازرگانان، مسافران، مهاجران یا زنانی که به ازدواج مردی از محوطه مورد مطالعه درآمده اند با خود از محل تولید به محل کشف برده باشند. همچنین ممکن است که این قبیل اشیا «باز پرداخت» بدیهای غیر مادی باشد. نمونه ای از فعالیت پیش گفته مبادله نمادین است که طی آن اشیای نمادین با یکدیگر مبادله می شود. از طرفی مبادله خود می تواند عملی نمادین بدون جنبه اقتصادی باشد... بنابراین، کشف شیئی از نقطه ای خاص را در منطقه ای دیگر نمی توان دلیل قرار داد که بین این دو منطقه ارتباط بازرگانی (یعنی مبادله اقتصادی) برقرار بوده است» (دارک ۱۳۷۹: ۱۵۸). به همین خاطر زمانی می توان بحث بازرگانی را از منظر «باستان شناسی اقتصادی» مطرح نمود که وجه اقتصادی این مبادلات با توجه به مدارک و شواهد معتبر آشکار شود، لذا باستان شناسان معمولاً به جای واژه «بازرگانی»، از واژه «مبادله» استفاده می کنند (همان)، تا مبادلاتی را که جنبه اقتصادی نداشته اند، نیز مورد توجه و مطالعه قرار دهند.

البته منظور از تاکید بر جنبه های اجتماعی مبادلات این نیست تا احتمالاً فرضیه یا نظریه ای چون «بازرگانی تنها عامل محرک تطور فرهنگی - اجتماعی»<sup>۲</sup> طرح شود، که البته قبلاً طرح و اکنون به درستی رد شده است، بلکه بازرگانی یکی از دهها عاملی است که روند تطور فرهنگی - اجتماعی جوامع را به حرکت درآورده و مسیر آن را شکل می دهد.

## ماهیت مبادلات بازرگانی در پیش از تاریخ

برای درک و بررسی روند رو به رشد مبادلات و نسبت آن با تغییرات فرهنگی - اجتماعی جوامع، باید چارچوب مطالعاتی آن را مشخص کنیم، در این زمینه ناگزیر از طرح برخی پرسشها هستیم:

۱. منظور از داد و ستد در باستان شناسی چیست؟
۲. انواع داد و ستد در نگرش باستان شناسانه؟
۳. دامنه و شعاع داد و ستد در بین جوامع؟
۴. تاثیر داد و ستد بر فرایند حیات اجتماعی جوامع؟
۵. روشهای ارتباطی میان جوامع کدامها بودند؟
۶. ضرورتها و نیازمندیهای مکانی و نسبت آنها با امکانات منطقه ای؟

حوزه های پرسشی فوق کمک می کنند تا به تجزیه و تحلیل یافته های باستان شناختی بپردازیم. علاوه بر موارد مطرح شده در بالا، پرسشهای فراوان دیگری همواره ذهن باستان شناسانی را که درباره ماهیت بازرگانی در یافته هایشان تفحص می کنند، به خود مشغول نموده است. برخی دیگر از این پرسشها می تواند به گونه دیگری طرح شوند:

الف) چگونه ساز و کارهای بازرگانی در طول زمان تغییر می کند؟

ب) چرا ساز و کارهای بازرگانی در طول زمان تغییر می کنند؟

ج) چه نوع از داده های باستان شناختی این تغییرات را منعکس خواهند کرد؟ (بیل ۱۹۷۳: ۱۳۴)

باستان شناسی که بر اساس مدارک به دست آمده به تشریح مبادلات بازرگانی دو منطقه یا مکان خاص می پردازد، قبل از هر اظهار نظری باید ساختار جوامع مورد نظر را مطالعه کند، اینکه در چه مرحله و روندی از پیچیدگیهای فرهنگی - اجتماعی قرار دارند؟ و بر اساس ظرفیتهای فرهنگی - اجتماعی خود در چه سطحی از مبادلات بازرگانی می توانستند گام بردارند؟ آیا امکان مبادلات بازرگانی برای این جوامع متصور هست یا نه؟ پس از درک درست و روشن از سطح تطور فرهنگی - اجتماعی جامعه یا جوامع مورد نظر است که می توان سطوح مختلف مبادلات اقتصادی - اجتماعی آنها را و امکان فعالیت در هر یک از سطوح مذکور را مورد

مطالعه و بررسی قرار داد. به عنوان نمونه ساختار یک جامعه نوستی که اقتصاد آن مبتنی بر شکار و گردآوری است با ساختار یک جامعه عصر مفرغ یا آهن که دارای نهادهای مختلف فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی - سیاسی است متفاوت است؛ در این صورت امکان مبادلات سازمان یافته فرامنطقه ای برای جامعه نخست غیرممکن و برای جامعه دوم محتمل است. بنابراین آگاهی از سطح فرهنگی جوامع مورد مطالعه، باستان شناس را قادر به طرح پیش فرضهای درست و منطقی می نماید، و از تحلیل های فاجعه آمیز و غلط تا حدود زیادی جلوگیری می نماید.

بی شک روند رو به رشد داد و ستد و مبادله را باید در رابطه با اقتصاد محلی جوامع و توسعه اقتصادی آنها مورد مطالعه و بررسی قرار داد. انسان از زمانی که به اقتصاد متکی بر تولید غذا در کنار جمع آوری و شکار و صید روی آورد، در مسیر رفاه و آبادانی و رشد پیگیر «پیچیدگیهای اجتماعی» (Social complexities) گام نهاد. در این راه شرایط طبیعی مناسب و رشد جمعیت از عوامل مهم و اصلی در پیشرفت اقتصادی محسوب می شود. علاوه بر چایلد، امروزه بسیاری از باستان شناسان و انسان شناسان نظریه «محصول افزونه» را که پایه و اساس بازرگانی در بین جوامع است، پذیرفته اند (مثلاً رک. چایلد ۱۹۳۶؛ بردلی ۱۹۷۸؛ هاجز ۱۹۸۲؛ دارک ۱۹۹۵). از پیامدهای مهمی که مازاد محصول و تولید غذا به دنبال داشت مسئله داشتن وقت آزاد و فراغت از کار است که امکان رشد دگرگونیهای فرهنگی را موجب شد.

تولید مبتنی بر تخصص در دوران آغاز کشاورزی، منجر به پدید آمدن الگوی اجتماعی - اقتصادی عظیم تری شد، و چون در نتیجه تولید غذا منبع مطمئن غذایی به وجود آمد، رشد جمعیت رو به فزونی گذاشت. تقسیم گروههای اجتماعی به رده های مختلف سبب تاسیس و برقراری سلسله مراتب اجتماعی گردید که از نظر سیاسی می توان آنها را به سازمانهای قبیله ای یا کلان قبیله ای مرتبط دانست. این روند به صورت چشمگیری در ایجاد استقرارهای شهرنشینی یا آغاز شهرنشینی بازتاب پیدا کرد. درباره دلایل و عوامل رشد جمعیت، خاستگاههای حکومت و ... در میان جوامع پیش از تاریخ اندیشمندان زیادی از علوم مختلف از جمله باستان شناسان، انسان شناسان، اقتصاددانان و جامعه شناسان مطالب فراوانی نوشته اند و در این باره مکاتب و دیدگاههای مختلفی مطرح شده اند، که از حوصله این بحث خارج است (علاقمدان به این مباحث رک. آدمز ۱۹۶۰؛ گراهام کلارک ۱۹۵۲؛ مونتسکیو ۱۹۴۹؛ مجیدزاده ۱۳۶۸ و همینطور درباره نظامهای خان سالاری و حکومتهای ابتدایی در خاور نزدیک باستان رک. استین و راتمن ۱۹۹۴)؛ اما از آنجا که مقوله های رشد جمعیت، تکامل نظامهای اجتماعی و خاستگاههای حکومت و مسائلی از این دست در درک و تبیین روند تحولات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جوامع بسیار حائز اهمیت هستند، لذا به طور مختصر فرایند رو به رشد جوامع و تکامل نظامهای آنها را که در این چند ساله اخیر مورد توجه انسان شناسان و باستان شناسان قرار گرفته است، مورد توجه و بررسی قرار می دهیم.

در رابطه با روند تطور فرهنگی - اجتماعی جوامع تاکنون مدلهای متعددی ارائه شده است. برخی از این مدلها با رهیافتی تک خطی و برخی با رهیافتی چند خطی به تبیین این فرایند پرداختند (در این رابطه رک. چایلد ۱۹۳۶؛ سرویس ۱۹۶۲؛ جانسون و ارله ۱۹۸۷؛ ساهلین ۱۹۶۳؛ فرید ۱۹۶۷).

علیزاده (۱۳۷۲: ۴۳) با استناد به نظرات مورتون فرید (۱۹۶۷) می نویسد: «از نظر مورتون فرید، جوامع انسانی تحت شرایط لازم محیط زیستی، جغرافیایی و اقتصادی می توانند از چهار مرحله فرهنگی گذر کنند. این مراحل عبارتند از: «جامعه بی طبقه» (egalitarian society)، «جامعه رتبه ای» (ranking society)، «جامعه طبقاتی ساده» (stratified society)، و جامعه طبقاتی مرکب» یا «جامعه حکومتی» (state society)، به طور خلاصه و در تعریفی کوتاه باید گفت: جامعه بی طبقه جامعه ای است که در آن به تعداد اعضا موقعیتهای اجتماعی وجود داشته باشد و همه اعضا بتوانند بدون توجه به سن و جنس آنها را اشغال کنند. در این جوامع به علت نبود ابزارهای اقتصادی و سیاسی برای تثبیت و محدود کردن شمار افراد قادر به ایفا کردن چنین نقش های اجتماعی، دستیابی به موقعیتهای اجتماعی صرفاً بستگی به شایستگی های فردی دارد و با نزول و یا از بین رفتن این

شایستگی‌ها موقعیت‌های اجتماعی وابسته به آنها از بین می‌رود. اقتصاد این جوامع لزوماً به طریق «پایپای» انجام می‌گیرد. جامعه رتبه‌ای، جامعه‌ای است که در آن موقعیتهای اجتماعی کمتر از شمار افراد آن است. این جامعه می‌تواند از طریق تعدادی نهادهای فرهنگی دسترسی به این موقعیتهای را برای اعضایش که در حالت عادی می‌توانستند بدون توجه به سن و جنس خود به آنها دست یابند محدود و انحصاری کند. در چنین جوامعی «رتبه» لزوماً بستگی به قدرت اقتصادی شخص صاحب رتبه ندارد. اگر چه رتبه اغلب به اهمیت اقتصادی نیز منجر می‌شود. مانند جوامع بی‌طبقه در جوامع رتبه‌ای نیز تخصص در تولید صنعتی نادر است و تقسیم کار بر اساس توانایی‌های فردی انجام می‌شود. جوامع طبقاتی ساده در تضاد با جوامع ساده‌تر دارای مقامها و موقعیتهای اجتماعی است و این موقعیتهای بر قدرت اقتصادی و در نهایت سیاسی افراد اشغال‌کننده آن مقامها پایه‌ریزی شده است. نظام اجتماعی در چنین جامعه‌ای برای محدود کردن دسترسی همگان به مواد مورد نیاز جامعه و نظارت بر اقتصاد آن قدرت لازم را در اختیار شمار معدودی از افراد قرار می‌دهد. اقتصاد این جامعه بیشتر تولیدی است و تقسیم کار بر اساس سن، جنس، و موقعیت اجتماعی و مکانی معین در نظام خویشاوندی انجام می‌شود. با وجود کوتاه بودن چنین مرحله‌ای از تحول فرهنگی جوامع طبقاتی ساده برای ادامه حیات و تکامل خود در رسیدن به مرحله حکومت نیازمند نهادهای اجرایی است که تصمیماتشان علی‌رغم روابط خویشاوندی گرفته شود.

بنابراین جوامع بشری در نتیجه برخی عوامل و تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از «جوامعی ساده» (sample society) به سوی «جوامع مرکب و پیچیده» (complex society)، گام برداشتند. مطمئناً اقتصاد در این فرایند دگرگونی نقش مهمی را ایفا نموده است.

گوردن چایلد باستان‌شناس انگلیسی معتقد است که انسان در هزاره چهارم ق م در برخی مناطق وارد مرحله‌ای از یک نظام اجتماعی، اقتصادی و تکنیکی شده که آن را «انقلاب شهرنشینی» می‌نامند (چایلد ۱۹۳۶، ۱۹۵۱). نظریه انقلاب شهرنشینی چایلد بر اساس ویژگیهایی پایه‌گذاری شده است که گرچه همه آنها مورد قبول دانشمندان واقع نشد، اما اکثر آنان برخی از ویژگیهای عمده این جوامع شهرنشین را در بناهای یادمانی، جداسازی فضاهای معماری بر اساس موقعیت اجتماعی و توان اقتصادی افراد، تخصص در صنایع، حکومت، تکامل خط و پیشرفت ارتباطات و بازرگانی با مناطق دوردست پذیرفتند. بنابراین مبادلات بازرگانی بین جوامع از ویژگیهای بنیادین جوامع مرکب و پیچیده است. نظام مبادله کالا در جوامع بی‌طبقه همچنان که مورتون فرید گفته است به صورت پایپای بین دوستان یا منسوبان و به صورت مبادله بخششی متقابل در داخل گروههای تشکیل دهنده جوامع اولیه صورت می‌گرفت. تمرکز بر تولیدات و افزایش محصول که وقت آزاد افراد را به دنبال داشت، جوامع را به سوی تخصص‌یابی بیشتر سوق داد. در نتیجه محصولات متنوعی عرضه شد و نظام اجتماعی را به سوی مبادله بیشتر کالا تشویق می‌کرد. جهت‌سازماندهی کار مبادله کالا در جوامع بزرگ و پیچیده تر لزوم ایجاد سیستمی سازمان‌دهنده احساس می‌شد (رنفرو ۱۹۷۳: ۱۲۹). قطعاً تجارت با بیگانگان آنهم در مسیرهای دور به صورت سازمان‌یافته تحت نظر یک نظام حکومتی که بر بسیاری از واحدهای محلی و سازمان‌های مبادلات اقتصادی یا گردآوری و توزیع تولیدات غذایی نظارت دارد، ممکن می‌شد. و لازمه بازرگانی در مقیاسهای بزرگ و پیوسته آنهم در مسیرهای دور داشتن فن مدیریت اقتصادی و بازرگانی بود (برای نمونه رک. علیزاده ۱۳۷۲).

مطالعه و تجزیه و تحلیل بازرگانی در زمانهای پیش از تاریخ اساساً ویژگیهای مخصوص به خود را داراست. «در واقع شناخت سطح کیفی و کمی روابط بازرگانی و مبادله کالا در جوامع پیش از تاریخ مینا و شاخصی جهت پیچیدگی‌های اجتماعی و پیشرفت یک جامعه محسوب می‌شود. لذا تفکیک نظام مبادله کالا در جوامع قبیله‌ای با جامعه حاکم‌نشین می‌بایستی مورد توجه قرار گرفته مشخص شود» (فاضلی ۱۳۷۳). با وجودی که ماهیت مبادلات بازرگانی را مرتبط با «جوامع مرکب» با ساختار «سلسله‌مراتبی» می‌دانند، اما در بحث پیرامون داد و ستد محلی و منطقه‌ای در دوره دهکده نشینی به دهکده‌هایی بر می‌خوریم که احتمالاً حالت مرکزیت داشته‌اند، و حتی می‌توان احتمال داد مرکزیت این نوع دهکده‌ها دلایلی مذهبی داشته است (مثلاً رک. صالحی ۱۳۷۳)، در صورتی که با توجه به داده‌های باستان‌شناختی هنوز جوامعی با ساختار برابر (جوامع بدون رتبه و طبقه) بوده‌اند. نظام مبادله کالا در

این جوامع به صورت «مبادله بخششی متقابل» که اجناس معمولی را به صورت پایاپای در بر می گرفت تعریف شده است (رنفرو و بان ۲۰۰۰). بنابراین در مطالعه مبادلات این دوره توجه به موقعیت مکانی و زمانی جوامع اهمیت ویژه ای دارد.

در بحث پیرامون ساز و کارهای بازرگانی عقیده بر این است که حرفه بازرگانی برای بسیاری از جوامع پیش از تاریخ احتمالاً غیر ممکن به نظر می رسد و مبادلات دو جانبه ای که در آن کالاهای مورد نیاز به صورت دست به دست با مقاصد صلح جویانه معاوضه می شوند نمی تواند بیان کننده عملی بازرگانی باشد، بلکه مبادله دوسره ای است که با رضایت طرفین انجام می شود. در صورتی که بازرگانان تمام وقت واسطه ای غیر تولید کننده هستند که درآمد و معاش آنها به وسیله واسطه گری از مبادله کالا تامین می شود.

کارل پولانی، انسان شناس امریکایی از «افرادی که بازرگانی می کنند» صحبت به میان می آورد. او مردمانی را که فقط از راه بازرگانی زندگی می کنند با افرادی که قسمتی از وقتشان را صرف آن می کنند از هم متمایز می کند (برای آگاهی از نظرات وی رک. پولانی ۱۹۵۷، ۱۹۷۵). بنابراین بیشتر باستان شناسان بازرگانی را مرتبط با جوامع آغاز تاریخی که با حرفه تمام وقت به کار بازرگانی مشغول هستند می دانند.

با توجه به مباحث عنوان شده درباره مبادله در جوامع فاقد ساختارهای سلسله مراتبی به شبکه گسترده ای از مبادله افسیدین بر می خوریم که عموماً در میان جوامع نوسنگی رواج داشته است. کشف وسایل ساخته شده از افسیدین در تپه های پیش از تاریخی علی کش و چغاسفید (هل و دیگران ۱۹۶۹)، از آن جمله است. بر اساس آزمایشهای انجام شده بر روی بعضی از قطعات سنگ افسیدین این دو مکان، معدن آنها در شمال غربی دریاچه وان در شرق کشور ترکیه است (رنفرو ۱۹۷۷). با توجه به اینکه فاصله معادن شناخته شده این محل با محلهای پیش گفته در حدود ۹۰۰ کیلومتر است نحوه جابجایی و ساز و کار آن مورد توجه باستان شناسان بوده است (در این زمینه رک. رفیع فر ۱۳۷۰، ۱۳۷۲).

مبادله افسیدین در خاورمیانه ابعاد گسترده ای در دوران نوسنگی داشته است، علاوه بر ایران در سایر مناطق همجوار نیز شاهد این مبادلات هستیم. در ارپاچه نزدیک موصل (ملوان و راس ۱۹۳۵)، مقادیر فراوانی افسیدین از جمله یک گردنبند، هزاران تیغه، کارد، تراش کننده ها و خرده های آنها به دست آمد، که با توجه به کمیاب بودن این سنگ توجه حفاران محل را به خود جلب نمود. ملوان (۱۹۶۵: ۱) اظهار می دارد: «ما مکانی را که این سنگ از آنجا آمده است یافته ایم، این محل ناحیه دریاچه وان است که سنگها در سه نوع بودند، شامل شفاف و بلورین روشن، پوست لاک پستی و تیره براق و صیقلی، دقیقاً شبیه آنچه در ارپاچه یافت شده اند همگی از یک محل به دست آمده اند. برای به دست آوردن و تهیه این کالا، کاروانهای پیش از تاریخی احتمالاً در یک سفر رفت و برگشت، مسیری را در حدود ۴۰۰ مایل بین شمال عراق و آسیای صغیر طی کرده اند. درباره اینکه چگونه این مسافرتها ترتیب داده می شد سئوالاتی مطرح است، از جمله اینکه، در مقابل، چه چیزی داده می شد؟ آیا صنعتگران و هنرمندانی که افسیدین شمالی ها را بسازند وجود داشتند؟ آیا آنها در ارپاچه زندگی می کردند؟ یا اینکه شمالی ها کالاها را می رساندند و بومی های محلی آنها را شکل می دادند؟ چرا نهایتاً این مبادله کم کم محو شد؟ پاسخ ها در غبار پیش از تاریخ پوشیده شده اند، اما از طرف دیگر ما فهمیدیم که یک چنین حرکت هایی حتی انشعابات وسیع تری نیز داشته است». در ادامه خواهیم دید که این نوع از مبادلات جوامع نوسنگی ممکن است در اثر صورتهای مختلفی از شیوه های مبادلاتی به انجام رسیده باشد به ویژه «مبادلات دست به دست و پیوسته» که در میان این جوامع بسیار رواج داشته است.

بنابراین حتی طول مدت مبادلات و حجم رد و بدل شدن یک نوع از مواد و کالا نمی تواند صرفاً دلیلی بر یک رابطه اقتصادی باشد. آنچنان که خواهیم دید در سیستم مبادلاتی دست به دست یک کالا یا ماده می تواند مسیری بسیار طولانی را به صورت دست به دست از یک جامعه به جامعه دیگر طی کند. این مبادلات بیشتر به خاطر رفع نیازهای طرفین درگیر در مبادلات است و بحث سود و منفعت مطرح نیست.

### الگوها و شیوه های مبادلاتی

با توجه به مطالب پیش گفته باید تفاوت‌هایی را در مبادلات اولیه جوامع قائل شویم:

۱. مبادلاتی که جنبه عشیره ای و خانوادگی داشتند.
۲. مبادلاتی که مایحتاج اولیه جوامع را به صورت تهارتی برآورده می کردند.
۳. مبادلاتی که در نتیجه ازدیاد محصول، وجود تخصص، نظامهای اجتماعی و بسیاری عوامل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی به صورت یک «حرفه» در جریان بود.

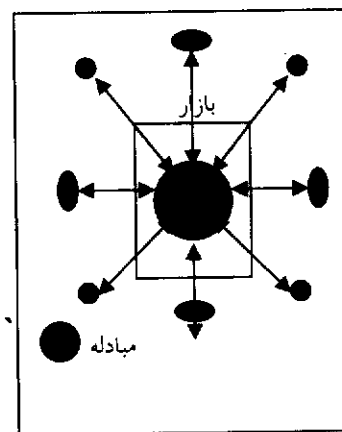
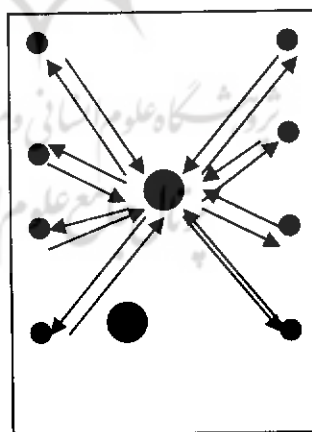
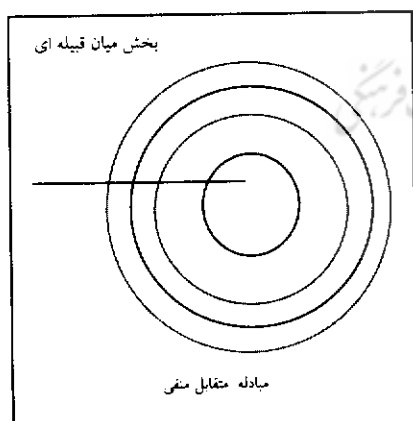
کارل پولانی (۱۹۵۷، ۱۹۶۳) سه شیوه یا الگوی مختلف مبادله را مطرح کرده است: «مبادله متقابل یا نظام داد و ستدی» (reciprocity)، «نظام بازپخشانی» (redistribution)، و «مبادله بازاری» (market exchange). منظور از «مبادله متقابل» یعنی «حالتی که در مقابل فلان متاع، هدیه یا خدمت، طرف مقابل باید متاع، هدیه یا خدمتی به همان اندازه یا بزرگتر باز گرداند... رد و بدل کردن کالاها در اقتصاد داد و ستدی معمولاً تبادل هدایا خوانده می شود.» (دارک ۱۳۷۹: ۱۵۳). در «نظام بازپخشانی» منابع یا امتعه در محلی مرکزی، به وسیله فرد یا گروهی گرد آمده و بین دیگران پخش می شود، این نظام مستلزم وجود یک تشکیلات مرکزی برای اداره آن بود. کالاها به این مکان فراهم شده فرستاده می شدند، یا حداقل توسط این مکان ضبط و نگهداری و سپس مجدداً توزیع می شدند.

«مبادله بازاری» مستلزم دو چیز بود: اول وجود یک محل استقرار مرکزی ویژه برای مبادله معاملاتی که در آن محل انجام می شد و دوم وجود یک نوع خویشاوندی اجتماعی که داد و ستد می توانست بر اساس آن انجام گیرد و این مستلزم یک نظام نرخ گذاری قراردادی بود که در خلال گفتگوهای مبادلاتی به دست می آمد (رنفرو و بان ۲۰۰۰).

مبادله متقابل

نظام باز پخشانی

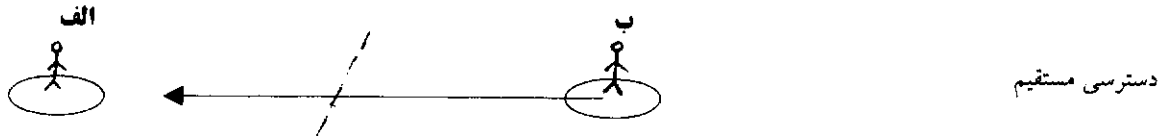
مبادله بازاری



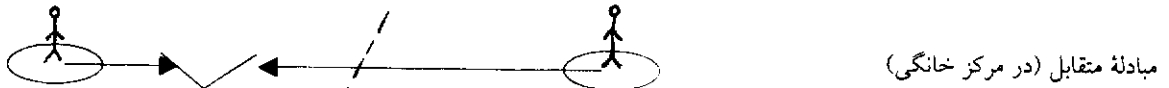
برگرفته از، رنفرو و بان ۲۰۰۰

بنابراین در گروهی از جوامع مخصوصاً در آنهایی که فاقد یک اقتصاد پولی هستند، اساس مرادده های اجتماعی بر یک رشته از داد و ستدهای بخششی و پیشکشی استوار است. اما هنگامی که مبادلات جایگاهی خارج از روابط خویشاوندی شخصی و خصوصی پیدا کرد، ویژگیهای مختلفی را در بر خواهد داشت، در این صورت انگیزه یک چنین مبادلاتی سود و منفعت است.

رنفرو و بان (۲۰۰۰: ۲۳-۳۲۲) به صورتی نمادین جریان داد و ستد بین جوامع را با دو مکان الف و ب و با در نظر گرفتن حالتهای مختلفی از برخوردهای مبادلاتی به صورتی که در ادامه می آید ترسیم نموده اند:



ب بدون مراجعه به الف به منابع مواد دسترسی مستقیم دارد. بنابراین هیچ ساز و کار داد و ستدی وجود ندارد.



ب، الف را در مرکز خانگی الف می بیند، آنها محصولات ویژه خود را مبادله می کنند و هر کدامشان بر آن نظارت دارند.



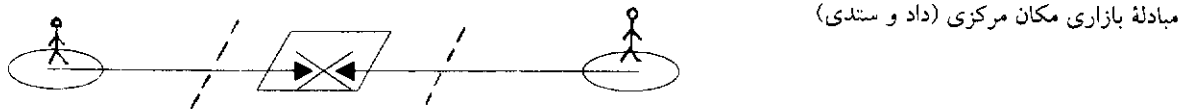
الف و ب همدیگر را در مرز مشترک برای برآورده کردن نیازهایشان ملاقات می کنند.



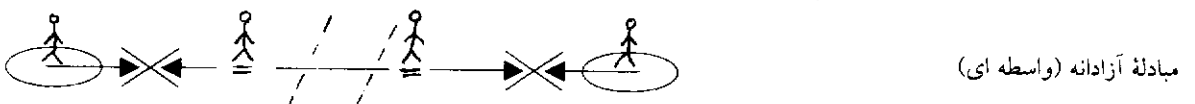
مضاعف شدن مرکز خانگی یا مبادله متقابل مرزی (در این جا برای سادگی و روشنی فقط به صورت یک طرفه نشان داده شده است)، که در آن کالایی مستقیماً و پی در پی و به صورت زمینی در طول مبادلات متوالی سفر می کند. در واقع این الگو اشاره به مبادلاتی دارد که ماهیت متقابلی دارند. مبادلات افسیدین در طول دوره نوسنگی از چنین الگویی پیروی می کرده است.



الف محصولش را به عنوان «خراج» برای شخص مرکزی می برد (پی شک در این مبادله بعضی چیزها را بعداً دریافت می کرد)، ب نیز محصولش را به مکان مرکزی می برد و بعضی از محصولات الف را دریافت می کرد.

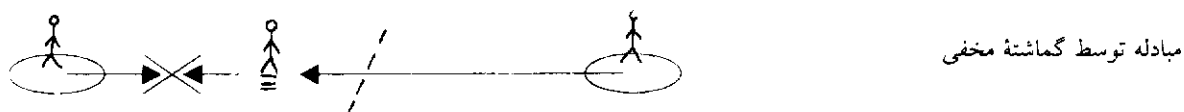


الف محصولش را به مکان مرکزی می برد و در آن جا آن را مستقیماً با ب برای محصول ب مبادله می کند، شخص مرکزی در این مبادله مستقیماً فعال نیست.

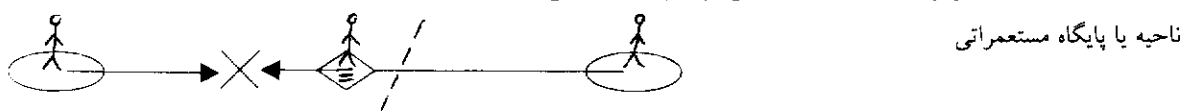




واسطه با الف و ب معامله می کند، اما تحت نظارت و کنترل الف و ب نیست. این نوع مبادله به فعالیتهای بازرگانی که مستقلانه و برای سود کار می کنند توجه دارد. این افراد که حرفه آنها بازرگانی است محل ثابتی ندارند، آنها مسافرانی هستند که کالاهایشان را برای مصرف کننده می برند.



ب یک گماشته یا نماینده مخفی را که تحت کنترل و نظارتش است به مبادله کالا با الف روانه می کند. این گماشته در واقع نماینده تشکیلات سازمان یافته مرکزی است که در موطنش قرار گرفته است، می باشد.



ب گماشته هایش را برای تاسیس یک پایگاه مستعمراتی نزدیک الف می فرستد، تا با الف داد و ستد کند (نمونه هایی از پایگاههای بازرگانی در دوره آغاز عیلامی به دست آمده است، در این زمینه رک. ولی پور ۱۳۸۱).



هم الف و هم ب گماشته هایشان را به مکان مرکزی (دروازه بازرگانی) که خارج از قلمرو همدیگر است روانه می کنند (برای آگاهی بیشتر رک. هاجز ۱۹۸۲).

کلید	
	شخص نظارت کننده
	واسطه
	گماشته
	انجام مبادله
	مرز خاکی (زمینی)
	شخص درگیر در مبادله
	منبع کالا (مواد)
	مکان مرکزی
	ناحیه مستعمراتی

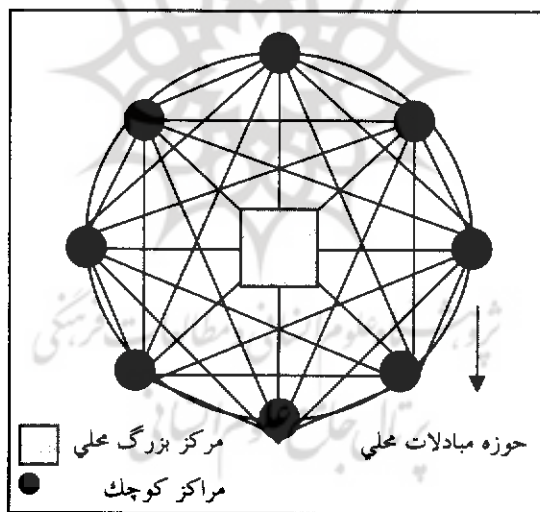
نمی توان انتظار داشت که نشانه ها و شواهد آشکاری درباره همه این اشکال مبادلاتی در گزارشهای باستان شناسی باقی مانده باشد، اما در برخی از این الگوهای مبادلاتی از جمله «مبادلات سلسله وار» می توان با توجهات کافی مدارک قابل توجهی را به دست آورد که به شناسایی مسیری تجاری که از میان دستهای مختلفی نیز گذشته است منجر شود. به عنوان نمونه می توان به مسیرهای مبادلاتی «سنگ لاجورد» از شرق ایران به بین النهرین اشاره نمود که با مدارک باستان شناسی پشتیبانی می شود (درباره این مسیرها و مبادلات آن رک. ولی پور ۱۳۷۸ ب؛ مجید زاده ۳۶۶).

به طور کلی اگر بخواهیم مبادلات بازرگانی را صرفنظر از شیوه های فراوان آن مورد ارزیابی قرار دهیم، می توان تمام اشکال مبادلاتی پیش از تاریخ را در سه محدوده مکانی و فضایی مشخص و با عناوین: «مبادلات محلی»، «مبادلات منطقه ای» و «مبادلات فرا منطقه ای» از هم باز شناخت.

## مبادلات محلی

در این الگوی مبادلاتی یک مرکز بزرگ محلی وجود دارد که مراکز کوچک پیرامون خود را تحت پوشش قرار می دهد. مراکز کوچک با هم دارای روابط و مبادلات محلی بوده، اما محل و مرکز اصلی مبادلات، مرکز بزرگ محلی می باشد. در واقع این الگو بیان کننده مبادلات بین جوامعی است که هنوز به مرحله مبادلات نسبتاً گسترده تر منطقه ای نرسیده اند. این نوع از مبادلات فاقد سازماندهی است و عموماً در میان جوامع دوره نوسنگی که فاقد سازمان های مشخص اجتماعی و فاقد ساختارهای سلسله مراتبی اند رواج داشته است. مرکز بزرگ محلی نیز به خاطر برخی ویژگیها به ویژه موقعیت مکانی این امتیاز را به دست آورده است. معمولاً مراکز بزرگ منطقه ای در مراحل بعدی همین مراکز مهم محلی هستند، که هم بر جمعیت آنها افزوده شده است و هم وسعت بیشتری پیدا کرده اند. نمونه یک چنین الگویی در اکثر مناطق فرهنگی ایران مشاهده می شود (برای نمونه رک. جانسون ۱۹۷۳).

مدلی نمادین برای مبادلات محلی



## مبادلات سازمان یافته منطقه ای

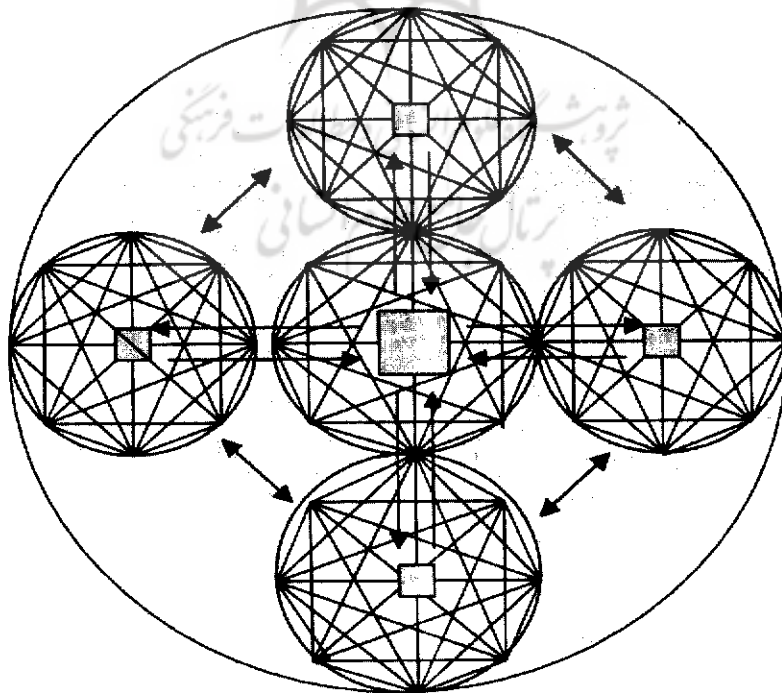
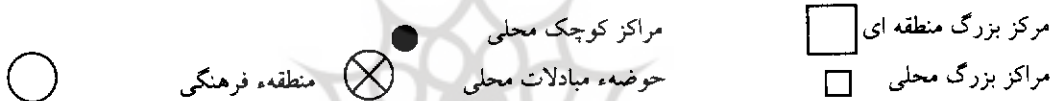
در این الگوی مبادلاتی مشاهده می کنیم که هسته اصلی مبادلات منطقه ای را مبادلات پیوسته محلی تشکیل می دهد. مراکز بزرگ محلی که در این مرحله جزء مراکز بزرگ منطقه ای محسوب می شوند، دهکده های کوچک پیرامون خود را تحت پوشش قرار داده و خود نیز تحت پوشش مرکز بزرگتر منطقه ای قرار می گیرند. در واقع مراکز بزرگ منطقه ای نقش واسطه های مبادلاتی را در نظامی که توسط مرکز قدرتمند منطقه سازمان پیدا کرده است، ایفا می کنند.

شاید بتوان این الگو را در چارچوب مدل مرکز - حومه یا «مدل سیستمهای جهانی» که توسط «والرستاین» (۱۹۷۴) طراحی شده است، قرار داد. خلاصه این مدل این است که اقتصاد مناطق پیرامونی حول محور مرکزهای اقتصادی در جریان است (دارک ۱۹۹۵: ۱۵۱).

نظیر یک چنین الگوی مبادلاتی در دشت خوزستان آشکار شده است، در طول دوره اوروک مرکز بزرگ شوش بر کل منطقه تسلط دارد (جانسن ۱۹۸۷: ۲۸۷) و مراکز بزرگ دیگر نظیر ابوفندوا و چغامیش و سایر محوطه‌هایی که از آنها «میخهای مخروطی» (مجیدزاده ۱۳۶۸: ۱۵-۱۴) به دست آمده‌اند، نقش واسطه‌های شوش را در منطقه بر عهده داشته‌اند. یک چنین نظام سازمان یافته‌ای باعث رشد مراکز بزرگ نظیر شوش و چغامیش در غرب و شرق خوزستان شده است، به طوری که توان و قدرت برقراری مبادلات سازمان یافته دوربرد را پیدا نمودند.

بنابراین پر واضح است که مراکز بزرگ منطقه‌ای در عصر آغاز شهرنشینی از پشتوانه خوب مبادلات محلی و منطقه‌ای برخوردار بوده‌اند، در صورت عدم داشتن یک چنین پشتوانه‌ای بعید به نظر می‌رسد جامعه‌ای بتواند بدون گذر از مراحل فوق به مبادلات سازمان یافته دور برد راه یافته باشد.

### مدلی نمادین برای مبادلات سازمان یافته منطقه‌ای



## مبادلات فرا منطقه ای

منظور از مبادلات فرا منطقه ای آن نوع از مبادلات است که بین جامعه یا جوامعی از دو منطقه فرهنگی و در فاصله نسبتاً زیادی از هم به انجام می رسد. لازمه یک چنین مبادلاتی ابتدا گذر از مراحل فرهنگی و مبادلاتی پیش گفته است و سپس وجود تشکیلات و یا نهادهایی است که بصورت سازمان یافته و با ساز و کارهای مشخص نظیر سیستم نرخ گذاری، ایجاد امنیت راهها و کاروانیان، سیستم کنترل و ثبت و ضبط و همینطور حمل و نقل کالا اقدام به مبادلات بازرگانی فرامنطقه ای و دوربرد می نماید. پر واضح است که جوامع نوسنگی که فاقد ساز و کارهای لازم بازرگانی و همینطور امکانات و ضروریات یک چنین مبادلاتی بودند نمی توانسته اند به بازرگانی دور برد بپردازند. این نوع از مبادلات برای آن دسته از جوامع متصور بوده است که اصطلاحاً آنها را جوامع مرکب و پیچیده می نامند. و قطعاً تشکیلاتی خواه سازمان معبد یا سازمان دربار و حکومت آنها را اداره می نموده است.

## سخن پایانی

مطالعه مبادلات بازرگانی تنها جنبه های بازرگانی آنرا در بر نمی گیرد، همانطور که می دانیم داد و ستد کالاها و محصولات تولید شده بین جوامع نقش مهمی را در انتشار صورتهای گوناگونی از فرهنگ بازی می کرده است، که لازم است در بحث پیرامون بازرگانی این ابعاد را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. یکی از این موضوعات، تاثیر داد و ستد بر فرایند حیات اجتماعی جوامع (رشد، رکود، سنت، نوآوری، کشف و ...) می باشد. علاوه بر این، مبادلات در ایجاد و گسترش ارتباطات فرهنگی بین جوامع نقش مهمی را ایفا کرده اند. وقتی که مبادله ای بین دو جامعه صورت می گیرد یک جریان اطلاعاتی - خبر رسانی و آگاهی دهی - به وجود می آید. افکار، عقاید و رسوم مبادله می شوند. اختراعات انتقال می یابند و در این میان آرزوها و جاه طلبیها نیز شکل می گیرند. تاثیرات متقابلی که در فرایند مبادلات بازرگانی دو منطقه صورت می پذیرد، می تواند به مانند یک سیستم ارتباطی، علاوه بر اشیای مادی، بسیاری از شئون اجتماعی و فرهنگی جوامع را نیز در برگیرد، از این رهگذر است که فرهنگها و جوامع پیوسته در معرض «تغییر» قرار دارند.

## یادداشت ها

۱. «باستان شناسی رفتاری» اصطلاحی است که برخی از باستان شناسان جهت افاده معنای «باستان شناسی جدید» به کار برده اند، در این باره رک. شیفر ۱۹۷۶.
۲. در دهه ۱۹۶۰ که مدلهای تک متغیر در باستان شناسی باب بود، گروهی بازرگانی را تنها عامل شکل گیری حکومت می خواندند. اما در حال حاضر تاکید بر مدلهای تک متغیر، اعتبار خود را در باستان شناسی از دست داده است. برای آگاهی از سیر تحول اندیشه باستان شناسی در دهه های اخیر رک. عبدی ۱۳۷۸.

## کتابنامه

الف) فارسی

دارک، کن. آر.

مبانی نظری باستان شناسی، ترجمه کامیار عبدی، مرکز نشر دانشگاهی.

۱۳۷۹

- رفیع فر، جلال الدین  
۱۳۷۰ «رواج افسیدین و کهنترین تبادلات فرهنگی - تکنولوژیکی» آن در ایران، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره: ص ۲۵ - ۱۴.
- ۱۳۷۱ «تاملی دوباره در صنایع دهلران»، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره ۱۳ و ۱۴: ص ۲۵ - ۱۰.
- صالحی، محمد صالح  
۱۳۷۳ «احتمال وجود اشیای شمارشی در تپه زاغه»، یادنامه گردهمایی باستان شناسی - شوش، ۲۵-۲۸ فروردین ۱۳۷۳، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۳.
- عبدی، کامیار  
۱۳۷۸ «مروری بر تحول اندیشه باستان شناسی در دهه های اخیر»، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره ۲۳ و ۲۴: ص ۳۰ - ۱۴.
- علیزاده، عباس  
۱۳۷۲ «پیچیدگی ساختار اجتماعی - اقتصادی و فن مدیریت تجاری در یک جامعه پیش از تاریخ»، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره ۱۳ و ۱۴: ص ۴۴ - ۲۶.
- فاضلی نشلی، حسن  
۱۳۷۳ «تکامل نظام های اجتماعی در جوامع پیش از تاریخ بر اساس داده های باستان شناسی»، یادنامه گردهمایی باستان شناسی - شوش، ۲۵ - ۲۸ فروردین ۱۳۷۳ (سازمان میراث فرهنگی): ص ۲۸۰ - ۲۶۷.
- مجید زاده، یوسف  
۱۳۶۶ «سنگ لاجورد و جاده خراسان بزرگ»، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره ۲: ص ۱۲ - ۲.
- ۱۳۶۸ آغاز شهرنشینی در ایران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ولی پور، حمید رضا  
۱۳۷۸ الف «باستان شناسی اجتماعی»، باستان پژوهی (نشریه هسته علمی دانشجویان باستان شناسی دانشگاه تهران) سال دوم، شماره ۴: ص ۱۵ - ۱۲.
- ۱۳۷۸ ب «معادن باستانی سنگ لاجورد و چگونگی مبادلات تجاری آن در ایران و میان رودان»، کوآترنری (نشریه دانشجویان زمین شناسی دانشگاه بوعلی همدان)، سال اول، شماره ۲: ص ۶۵ - ۵۵.
- ۱۳۸۱ «پایگاههای تجاری آغاز عیلامی»، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره ۳۱: ص ۳۵ - ۲۶.

## ب ( غیر فارسی

- Adams, R. McC. 1960, The Evolution of Urban Society: Early Mesopotamian and Pre - Historic Mexico, University of Chicago Press (Chicago).
- Beale, T. W. 1973, "Early Trade in Hieland Iran: A View from a Source Area", World Archaeology 5/2, pp. 133-148.
- Bradley, R.1978, The Prehistoric Settlement of Britain (London).
- Childe, V.G. 1936, Man Makes Himself (London).
- \_\_\_\_\_ 1951, Social Evolution (new York).
- Clarke, J.G.D.1952, Prehistoric Europ: The Economic Basis (London).
- \_\_\_\_\_ 1989, Economic Prehistory (Cambridge).
- Dark, K.R. 1995, Theoretical Archaeology, Cornell University Press.
- Earle, T.K. & Ericson, J.E.( ed.) 1977, Exchange Systems in Prehistory (New York).
- Ericson, J.E. & Earle, T.K. (eds.) 1982, Contexts for Prehistoric Exchange (New York & London).

- Fried , M. 1967 , The Evolution of Political Society : An Essay in Political Anthropology , (New York ) , Random House .
- Gregg,S. 1988, Foragers and Farmers (Chicago).
- Harris, D.R. & Hillman, G.C.(eds) 1989, Foraging and Frming: The Evolution of Plant Exploitation (London) .
- Higgs ,E. S. (ed.)1972, Papers in Economic Prehistory (Cambridge).
- \_\_\_\_\_, (ed.)1975, Palaeoeconomy (Cambridg).
- Hodder, I. & Orton, C.1976, Spatial Analysis in Archaeology,Cambridge University Press: ( London & New York).
- Hodges ,R. 1982 , Dark Age Economics (London) .
- Hole , F. (ed.) 1987 , The Archaeology of Western Iran: Settlementand Society from Prehistory to the Eslamic Conquest, (Washington DC & London) .
- Hole , F. , Flannery , K.V. , Neely , J.A. 1969, Prehistoriy and Human Ecology of The Dehluran Plain, Memoir no.1, Ann Arbur (Michigan) .
- Johnsen , G.A., 1973, Local Exchange and Early State Development in Southwestern Iran, University of Michigan, Museum of Anthropology, Anthropological Papers 51.
- \_\_\_\_\_,1987, " The Changing Organization of Oruk Administration on The Susiana Plain ",in Hole (ed.) 1987 , pp. 107-39 .
- Mallowan , M.E.L. 1965 , " The Mecanics of Ancient Trade in Western Asia ", Iran Vol. III , pp. 1-7.
- Montesquieu , Ch.L. 1949, The Spirits of The Lows, by Baron de Montesquieu, Reprint ed. T rans.by Thomas Nugent ,with an Introduction by Franz Newmann, (new York).
- Parkes, P.A. 1986, Curent Scientific Techniques in Archaeology, Chroom Helm, (London & Sydney).
- Polnyi, K. 1963, " Ports of Trade in Early Societies ", Journal of economic History, p. 30-45.
- \_\_\_\_\_, 1975, " Traders and trade", in J. A. Sabloff and C.C. Lamberg - Karlovsky (eds) , pp.133-54 .
- Arensberg , C. M. and Pearson H.W. 1957, Trade and Market in the Early Empires (Glencoe).
- Renfrew,A.C.1973, Befor Civilization. Jonathan Cape :Harmond .
- \_\_\_\_\_,1975, "Trade as action at a distans: questionsof integration and communication", in J. Sabloff and C.C. Lamberge-Karlovsky (eds.), Ancient Civilization and Trade (Albuquerque), 3-59.
- \_\_\_\_\_,1977a, "The Later Obsidian of Dehluran: The Evidence of Chogha Sefid", in Studies in The Archaeological History of The Dehluran Plain , Memoir no.1, ed. Frank Hole, Ann Arbur : University of Michigan , Museum of Anthropology , pp. 289-311 .
- \_\_\_\_\_,1977b , " Alternative models for exchange and spatial distribution ", in T. Earle and J. E ricson (eds) , Exchange System in Prehistory (London) , pp.71-90.
- \_\_\_\_\_,1984, Approaches to Social Archaeology (Edinburgh).
- Renfrew,A.C and Bohn, P.2000, Archaeology: Teories, Metodes and Practice (London) .
- Rowley Conwey, P.1983,"Sedentary hunters: the Ertebolle case", in G.Bailey(ed.), Hunter- Gatherer Economy in Prehistory (Cambridge), pp. 11- 126.
- Schiffer , M.B. 1976 , Behavioral Archaeology ( New York ) .
- Sheridan ,A. and Bailey,G.(eds) 1981, Economic Archaeology: Toward an Integration of Ecological and Social Approaches (Oxford) .
- Wallerstein, I.1974 ,The Modern World - System: Capitalist Agriculture and the Originsof the European World - Economyin the Sixteenth Century ( New York ) .